# وطن امروز

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز: مهرداد بذرپاش

مدیرمسوول: محمد آخوندی  سردبیر: رضا شکیبایی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج) کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲  تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳

نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷  پیام‌گیر: ۶۶۴۱۳۹۴۲

سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳

پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir

چاپ: شرکت رواق روشن مهر


## افق

اذان ظهر: ۱۳:۰۵  غروب آفتاب: ۲۰:۱۵

اذان مغرب: ۲۰:۳۶  نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۱۰

اذان صبح فردا: ۴:۰۴  طلوع آفتاب: ۵:۴۹

## کلام نور

عموی ما عباس، دارای بینشی ژرف و ایمانی راسخ بود همراه با امام حسین(ع) جهاد کرد و نیک آزمایش داد.

امام صادق(ع)

## راهنما

برنامه‌های امروز سیما

| شبکه | برنامه | پخش |
|---|---|---|
| ۱ | فیلم سینمایی صخره سرخ ۲ | ۰۱:۱۵ |
| ۱ | کیمیا | ۰۵:۳۵ |
| ۱ | امروز هنوز تموم نشده | ۱۶:۰۰ |
| ۱ | مجموعه داستانی دفتر حقوقی | ۲۲:۱۵ |
| ۱ | این شب‌ها | ۲۳:۱۵ |
| ۲ | خردسال و کودک | ۱۵:۳۰ |
| ۲ | اخبار جوانه ها | ۱۶:۰۰ |
| ۲ | سریال رازهای دهکده | ۲۱:۳۰ |
| ۳ | مجموعه سرزمین آهن | ۲۰:۴۵ |
| نمایش | حالامی‌بینی | ۱۳:۰۰ |
| نمایش | به دام افتاده | ۱۵:۰۰ |
| نمایش | لحظه ناب | ۱۷:۰۰ |
| نمایش | سریع و خشن ۴ | ۱۹:۰۰ |
| نمایش | افسانه | ۲۱:۰۰ |
| نمایش | نامه آخر | ۲۳:۰۰ |
| تهران | رنگین‌کمان | ۱۴:۲۵ |
| تهران | شاید برای شما هم اتفاق بیفتد | ۱۹:۰۰ |
| تهران | ویژه برنامه ارتحال امام (ره) | ۲۱:۰۵ |
| تهران | ساعت ۲۵ | ۰۰:۴۵ |

## سلام وطن

پیامک: ۳۰۰۰۸۸ / تلفن: ۶۶۴۱۳۹۴۲

■ در اغلب کشورهای جهان هر کالایی را طبق قیمت تمام شده با درصدی سود معقول عرضه می‌کنند اما در کشور ما مثلاً شخصی ۲۲۰ متر زمین را متری ۳ میلیون تومان خریداری می‌کند و حداقل ۴ طبقه، هر طبقه ۲ واحد ۱۰۰ متری می‌سازد و ۶۶۰ میلیونی که خرج خرید آن خانه کرده و مقداری هم که خود برای مصالح آن هزینه کرده را با فروش هر متر از واحدهایی که ساخته، ۵ میلیون، می‌کند ۴ میلیارد تومان. به خاطر همین هم هست که خیلی‌ها کاربلد و ناکاربلد به این کار رو آورده‌اند و بدون دردسر در عرض یک سال پولشان را حداقل ۳ برابر می‌کنند. یکی از بیماری‌های اقتصاد ما همین است که سود معقولی برای یک کار به دست نمی‌آید؛ یا خیلی کم یا خیلی زیاد و افسانه‌ای!

**باوفا**

■■■

■ هفته گذشته برای سفر به مشهد مقدس، بلیت قطار تهیه کردم. از وقتی که سوار قطار شدم تا رسیدن به مقصد، همان طور که معمول است، ۱۲ ساعت طول کشید ولی در میانه راه، بارها و بارها شاهد توقف‌های طولانی قطار بودیم. برای نماز ۲۰ دقیقه توقف می‌کند ولی توقف‌های دیگرش خیلی زیاد است. لطفا مسؤولان فکری برای این موضوع کنند چون خیلی‌ها بویژه سالمندان در ۲۰ دقیقه نمی‌توانند از قطار پیاده شوند و بازگردند.

**یک هموطن**

■■■

■ بانک ملی ایران در اطلاعیه‌ای اعلام کرده افرادی که دارای اقساط معوق هستند به بانک مراجعه و نسبت به تسویه بدهی خود اقدام کنند با این امتیاز که همه جرایم دیرکردشان بخشیده خواهد شد، وقتی هم که به بانک مراجعه می‌کنی، می‌گویند: نه؛ از این خبرها نیست! ابتدا باید همه بدهی‌تان را یکجا پرداخت کنید، سپس درخواست کتبی خود مبنی بر تقاضای بخشودگی دیرکرد را تحویل بانک بدهید که به شعبه مرکزی ارسال شود؛ آنجا یک کمیته‌ای تشکیل می‌شود تا در باره شما تصمیم‌گیری کند، اگر تشخیص دادند این امتیاز به شما تعلق می‌گیرد، اگر نه که... نه دیگه...! آیا این برخورد و آن اطلاعیه بی‌حرمتی به مشتریان بانک نیست؟! روسای محترم بانک ملی ممکن است بفرمایند بر چه اساسی با این دید به مردم نگاه می‌کنند؟!

**ملکوتی**

## ته دیگ

۳۰۰۰۸۸

طرف برای آمارگیری اومده به بابام میگه چندتا بچه داری؟ بابام میگه یکی. طرف میگه توی شناسنامه که اسم ۲تا نوشته؟

بابام میگه: آهان. اینو میگی؟ این دکوریه. هروقت اینترنت قطع میشه، میاد تو هال یه دوری میزنه و میره تو اتاق!

■■ قاب روز

عکس: ابراهیم حیدری، وطن امروز

### آسمان سرخ تهران در پی وقوع توفان بی‌سابقه عصر دیروز

■■ روزنه

# «خط» امام یا «دست‌خط» امام؟

■ سیده‌آزاده امامی ■

تنها این روزها که نه، همه تاریخ این انقلاب عجین با نام خمینی است، و اساساً به تعبیر خلف صالحش «این انقلاب بی‌نام خمینی در هیچ جای جهان شناخته شده نیست». با این‌حال به بهانه این روزها اشاره‌ای داریم به تلاش مرموز و هدفداری که چندی است تحریف و استحاله اندیشه آن بزرگمرد را نشانه رفته، و تأسف‌آور آن است که از آنان که باید فریادی برخیزد، ندایی نمی‌شنویم!

به دنبال تغییرات ایجادشده متأثر از ۲۴ خرداد و طرح شعار «اعتدال» در فضای سیاسی کشور، شرایطی رقم خورد که ضمن آن هم بسیاری از مواضع قاطع و انقلابی نظام مورد خدشه واقع شد و هم قرائتی از اندیشه‌های متعالی معمار کبیر انقلاب ارائه شد که با آنچه از سلوک آن عزیز سفرکرده به یادگار مانده تعارضی بنیادین دارد. درواقع این تقابل از آنجایی شکل گرفت که عدم ارائه تبیینی دقیق از مفهوم «اعتدال» از جانب منادیان آن، راه را بر ارائه تفسیرهایی هموار کرد که «اعتدال» را به مثابه بینش و منشی نرم و آرام اراده می‌کند که متعرض هیچ کژی و کاستی‌ای نمی‌شود و به معجونی درآمیخته از حق و باطل دل خوش داشته است تا هم از مواهب همراهی اهل حق منتفع شود و هم از چالش‌های ناگزیر رویارویی با باطل در امان بماند، و بدین‌سان به نام «اعتدال‌گرایی»، عملاً «عافیت‌طلبی» اراده می‌شد! تفسیری که به موجب آن هر اعتقاد و سخن و موضعی که درون‌مایه‌هایی از «قاطعیت» و «استحکام» داشته باشد مطرود و مردود است، چه اینکه به‌زعم او مصداقی از «افراطی‌گری» و «تندروی» به حساب می‌آید. از همین روی تلویحاً و گاه تصریحاً داعیه‌دار لزوم بازتعریف مبانی اصیل انقلاب مبتنی بر این تعریف از «اعتدال» شد! غافل از آنکه آنچه در میانه حق و باطل است، نه «اعتدال»، که اساساً «التقاط» است!

واقع آن است که ماهیت این نظام همیشه و همچنان «انقلابی» است و «انقلابی‌گری» اقتضائاتی دارد و لازمه آن داشتن «باورهایی راسخ» و «مواضعی قاطع» و «مرزهایی دقیق و روشن با باطل و صور آن» در همه‌دوران‌هاست اما چنانکه واقعیت‌های چندماهه اخیر حاکی از آن است، هستند افرادی که باوری به این امر ندارند و چه بسا بر آنند که انقلابی ماندن پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام مطلوب امری فاقد معنا و نامعقول است، و نه‌تنها این، که به‌زعم ایشان می‌توان حتی جایگاهی هم برای معاندان انقلاب قائل بود، و حتی‌تر از در صلح و آشتی با دشمنانِ شمشیر از رو بسته انقلاب نیز درآمد!

لیکن به‌زعم ما اگر زمانی آرمان‌ها و ارزش‌هایی که یک انقلاب اساساً برای تحقق آنها و در آرزوی آنها شکل گرفته از یک ملت گرفته شود، چیزی هم از انقلاب ایشان باقی نخواهد ماند، و هر اندازه این آرمان‌ها اساسی‌تر و مبنایی‌تر باشند و با ریشه‌های هویتی و فرهنگی آن ملت پیوندهای دیرینه‌تر و عمیق‌تری داشته باشند، رخت بربستن آرمان‌ها از جامعه همان، و تهی شدن آن جامعه از هویت خویش هم همان! از سویی، «آرمان» به خودی‌خود آن متعلّقی از باور است که اقتضای تعهدی قوی و التزامی راستین دارد، و معقول نیست کسی در باورها و اعتقادات خویش «معتدل» باشد!

البته که حق‌تعالی امت پیامبر اعظم(ص) را «امت وسط» خوانده است، اما مگر نه این است که آنجا که همین «امت وسط» را مورد خطاب قرار می‌دهد آنانی را می‌ستاید که «کأنهم بنیان مرصوص»، مگر نه اینکه «محمد رسول‌الله و الذین معه أشداء علی الکفار»اند، مگر نه اینکه از فرط عشق به این مجاهدان حتی به برقی که از برخورد سُم اسبشان به سنگ‌های بیابان می‌جهد سوگند یاد می‌کند: «والعادیات ضبحا* فالموریات قدحا»، لیکن متأسفانه امروز قرائتی از «اعتدالگرایی» ارائه می‌شود که چنین باورهای راستینی را برنمی‌تابد و انقلابی‌گری و آرمان‌گرایی را تحجر و رادیکالیسم معنا می‌کند و بر آن است که انقلابیون و آرمانخواهان را به نام «افراطیون» از عرصه براند! بر مبنای این قرائت حتی -العیاذ بالله- حضرت امام(ره) هم متحجر و افراطی است، چه اینکه انقلابی است!

اصولاً آنان که به سنین کهولت می‌رسند اغلب در پی کنجی دنج هستند که چند صباح باقی مانده از عمر خویش را بی‌دردسر بیاسایند و به ذکر و دعا بگذرانند، برخی حتی از شر و شور جوانی خویش هم توبه‌کار شده و راهی دیگر در پیش می‌گیرند، حتی اگر در جوانی در مسیر حق بوده باشند! اما امام را ببینیم، در سال‌های آخر عمر چنان با شور و حرارت بر پیگیری آرمان‌های خویش تأکید می‌ورزد که تو گویی جوانی است در آستانه دهه سوم عمر! اما در این قرائت خاص همه اینها مطرود است، چه اینکه با این تعریف از «اعتدال» نمی‌خواند!

مقصود اصلی این جستار بازخوانی فضای به وجود آمده پس از ۲۴ خرداد است که ضمن آن حتی بسیاری از مواضع بنیانگذار حکیم نظام اسلامی شایسته بازنگری عنوان شده است!

وقتی به‌زعم عده‌ای طرح ۲ سؤال کاملاً منطقی درباره ماهیت رژیم جعلی صهیونیستی «افراطی» باشد، معلوم است تکلیف جمله مشهور امام یعنی: «اسرائیل باید از صحنه روزگار محو شود» چه خواهد بود!!

در ماه‌های اخیر با کمال تعجب شاهد آن هستیم که اندیشه‌های آن بزرگمرد به شیوه‌ای دیگر دستخوش هجوم واقع شده است؛ از سویی تلاش مرموز و هدفدار برای تحریف مواضع ضداستکباری حضرت امام(ره) درست مقارن ایام تلاش عده‌ای در عادی‌سازی روابط با شیطان بزرگ، و از سوی دیگر خدشه وارد کردن به رابطه بی‌نظیر خانواده شهدا و امام شهدا با طرح مطالبی موهن و مغرضانه، از جهتی دیگر هم تحریف آشکار متن وصیتنامه ایشان، و همچنین تفسیرهایی از مواضع امام درباره برخی احکام قضایی و برخی رفتارها!

سؤال این است که چگونه ممکن است امام راحل که با قیام خود مرگ بر همه مظاهر طاغوت را عملاً معنا کرد و خود تجسم مبارزه با استکبار بود، شعار «مرگ بر آمریکا» را برنتابد؟ چگونه ممکن است مردی که می‌گفت «هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید» و «از خدا می‌خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه‌تنها از کعبه‌مسلمین، که از کلیساهای جهان نیز ناقوس «مرگ بر آمریکا و شوروی» را به صدا درآوریم» در «خفا» و در حضور تنها «یک نفر» موافق حذف این شعار بوده باشد آن هم در حالی که عریان‌ترین و بی‌نظیرترین واژه‌ها را در ترسیم چهره پرچمدار نظام سلطه به خدمت گرفت؛ «شیطان بزرگ» و «جرثومه‌فساد» و «ام‌الفساد قرن» و... مگر در ماهیت «شیطان بزرگ» تغییری رخ داده، و مگر در رفتار ظالمانه و مستکبرانه و وحشیانه او تفاوتی ایجاد شده که بر اساس آن نتیجه بگیریم اگر امام در این زمان بود چه‌بسا نظری متفاوت با آن سال‌ها می‌داشت؟ و اگر پاسخ این سؤال منفی است- که منفی است- پس چه توجیهی می‌ماند که تغییر نگرش امام را به آن حوالت می‌دهند؟ و آیا لازمه این ادعا دادن نسبت کذب دوگانگی به رفتار و کردار آن بزرگمرد نیست؟ و اگر او منزه است- که هست- پس چگونه آنان که مدعی همراهی با امام هستند سکوت کردند و دم برنیاوردند؟

موضع ضداستکباری خمینی کبیر منبعث از قهرهای نمایشی و فرمالیته دنیای سیاست نبود که اینک بخواهد به بهانه‌گذر زمان تغییری در آن رخ دهد! دشمنی دیرینه آن مرد خدا با مظاهر طاغوت و استکبار، برآمده از باورهای اصیل او بود که ریشه در رویارویی تاریخی حق و باطل داشت و با بصیرتی نافذ سرکردگان اردوگاه کفر و استکبار را از نوچه‌های ضعیف و ذلیل ایشان به‌خوبی بازشناخته بود، و بحق قلب باطل را نشانه رفته بود و خود را به جدالی مضحک با ایادی دست‌چندم طاغوت نفریفته بود؛ و البته که در طی این مسیر سخت و صعب راحتی و آرامش را بر خود حرام داشته بود، که در مکتب او «مبارزه» با «رفاه‌طلبی» اساساً ناسازگار و متعارض است. ضدیت آن امام عزیز با دنیای استکبار و نظام سلطه آشکارتر از آن است که کسی- هر که می‌خواهد باشد- قادر به ایجاد تردید در آن باشد، حتی برای آنان که اندک آشنایی با امام و اندیشه‌های متعالی‌اش دارند، پذیرفتن چنان ادعاهایی بسی غیرقابل باور و سؤال‌برانگیز می‌نماید، چه رسد به آنان که در مکتب امام بالیده‌اند و جرعه‌نوش شهد اندیشه‌هایش بوده‌اند و به ادبیات او خو گرفته‌اند.

اما در مقابل بوده‌اند افرادی که از همان اوان نهضت هم اعتقادی به ایستادگی در برابر نمادها و نمودهای طاغوت و استکبار نداشته‌اند و به اقرار خودشان چه بسا «اگر شاه به اصل دوم متمم قانون اساسی عمل می‌کرد و مقداری فشار و استبداد را کم می‌کرد احتیاجی به انقلاب نبود»!! یا در عرصه‌خارجی قائل به تفاوت ماهوی میان آمریکا و دیگر قدرت‌های خارجی نبوده‌اند و بر این مبنا معتقدند نباید تفاوتی هم در تعامل ما و ایشان در میان باشد!

این ادعاها البته پس از روشنگری رسانه ملی به نحو معناداری رفع و رجوع شد، همچنان که درباره مطلب موهنی که رابطه امام و خانواده شهدا را نشانه رفته بود، به محض بالا گرفتن اعتراض‌ها و محکومیت‌ها، با توجیه بی‌اطلاعی و جعل و... به غائله پایان دادند! اما تأسف‌آور آن است که هر دو این جریان‌ها در نهایت منتهی می‌شود به کسانی که به جهت همراهی و انتساب به امام، تمام اعتبار و آبرویشان از حضرت روح‌الله است. و تأسف بیشتر از آنکه همه‌این وقایع در سایه سکوت و انفعال مسؤولان مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام(ره) رخ می‌دهد، و کسانی که می‌باید بیش از همه در برابر چنین هجمه‌ای به «خط امام» واکنش نشان بدهند، لب فرو بسته و دم برنمی‌آورند، و مبادا که این سکوت نشان رضایت ایشان باشد!

چندی پیش هم که تفسیر خلاف‌واقع و عجیبی از جمله معروف حضرت امام درباره «میزان حال فعلی افراد است» ارائه شد، تفسیری که تلاش داشت مقصود امام را معطوف به افرادی بداند که جایگاهی در دم و دستگاه شاهنشاهی داشته‌اند و اینک خواسته‌اند به آغوش انقلاب بازگردند و امام با این فرمایش راه را بر بازگشت ایشان باز گذاشته است(!) توان تحلیل هم نمی‌خواهد، داشتن «سواد خواندن و نوشتن» کافی است برای دریافتن اینکه چه اندازه این تفسیر با متن فرموده حضرت امام در تعارض است، برای دریافتن اینکه اتفاقاً به قول آقای هاشمی شأن نزول این جمله درست در نقطه مقابل ادعای ایشان است و اتفاقاً ناظر به کسانی است که سابقه خوبی در همراهی با انقلاب داشته‌اند، لیکن در گذر زمان صلاحیت پیشین را از دست داده‌اند!

واقع آن است که آن حکیم فرزانه که با بینشی پیامبرگونه و بصیرتی ژرف مرزهای زمان را درنوردیده بود، خود با پیش‌بینی چنین روزهایی راه بر سوءاستفاده نااهلان مسدود ساخته بود: «اکنون که من حاضرم، بعض نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است پس از من بر حجم آن افزوده شود؛ لهذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود، مورد تصدیق نیست مگر آنکه صدای من یا خط و امضای من باشد، با تصدیق کارشناسان؛ یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم... من در طول مدت نهضت و انقلاب به واسطه سالوس و اسلام‌نمایی بعضی افراد ذکری از آنان کرده و تمجیدی نموده‌ام که بعد فهمیدم از دغلبازی آنان اغفال شده‌ام. آن تمجیدها در حالی بود که خود را به جمهوری اسلامی متعهد و وفادار می‌نمایاندند و نباید از آن مسائل سوءاستفاده شود. و میزان در هر کسی حال فعلی اوست».

آنچه در این میان مشهود است وجود اراده‌ای است که به نام امام به جنگ امام آمده است؛ اراده‌ای که البته پیش از این هم به صراحت پرده از نیت شوم خویش برداشته و از سپردن امام به موزه‌های تاریخ سخن گفته بود! اما از آنجا که از این شیوه طرفی نبست، به طریقی دیگر به میدان آمده و بر آن است تا با استحاله اندیشه‌های آن بزرگوار، درواقع ماهیت انقلابی و ضداستکباری نظام اسلامی را خدشه‌دار کند.

چنین برخوردی با امام و اندیشه‌های او البته جای تعجب ندارد، که در همیشه‌تاریخ باطل مواجهه خود را با سخن حق، با رهیافت‌های دوگانه و منافقانه رقم زده است. این هم که چنین رویکردی توسط اطرافیان و وابستگان به امام اتخاذ می‌شود، برای ملتی که با پیشینه تاریخی مصادیقی چون طلحه و زبیر و خاندان نوح آشناست، عجیب و نامأنوس نمی‌نماید! فراتر از آن منش علی‌گونه خود حضرت امام است که در دوران حیات پربرکتشان همراهان و وابستگانی را که از مسیر الهی ایشان فاصله گرفتند با قاطعیت و شدت طرد کرده و بدین شیوه حجت را بر تمام کسانی که داعیه التزام به ایشان را دارند تمام کردند، و با عمل خویش تفسیری عینی شدند بر آیه «إن اولیَ الناس بإبراهیم للذین اتّبعوه» (آل‌عمران، ۶۸)

امام برای این ملت عزیزتر از آن است که لغزش و انحراف اطرافیان و نزدیکانش کمترین خدشه‌ای در ارادت ملت به آن مرد الهی وارد کند. به‌رغم آنان که در منظومه‌باورشان امام صرفاً یک رهبر ایدئولوژیک است که باید در همایش‌های متعدد بزرگ داشته شود و از عظمت دیدگاه‌هایش در چنین مراسمی با اعجاب و تحسین یاد شود و در برابر آن سر فرود آورده شود، اما فقط در همین حد، و آنگاه که بحث تحقق عملیاتی این اندیشه‌ها به میان آید، این دیگر مورد قبول ایشان نیست، به‌زعم ما، اندیشه‌های ایشان نه‌تنها برای نمایش در موزه‌ها نیست، آنچنان که در سال‌هایی نه‌چندان دور برخی چنین داعیه‌ای داشتند، که اساساً این اندیشه‌های متعالی مانیفست حکومت است، و نقشه‌راهی برای تمام جهت‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان نظام، و برخلاف آنان که رسالت خویش را تنها در پاسداری از «دست‌خط امام» تعریف کرده‌اند، ما بر آنیم که صیانت از «خط امام» بسی واجب‌تر و اساسی‌تر از حفظ «دست‌خط» ایشان است. آنچنان که تمسک به قرآن ناطق ضمانت سلامت دین است، ورنه ورق‌پاره‌هایی که به نیرنگ معاویه بر نیزه می‌رود فرجامی جز قعر دوزخ به همراه نخواهد داشت. هرچند اگر مسامحه مسؤولان مؤسسه نشر آثار حضرت امام بیش از این ادامه یابد، «خط امام» که هیچ، تهدید و تحریف، «دست‌خط امام» را هم نشانه خواهد رفت!

در پایان این جستار گوش جان می‌سپاریم به فرمایش خلف صالح خمینی کبیر که سال گذشته در سالروز عروج ملکوتی حضرت امام در حرم آسمانی ایشان فرمودند: «نقشه راه ما همان اصول امام بزرگوار ما است؛ آن اصولی که با تکیه بر آن توانست آن ملت عقب‌افتاده سرافکنده را تبدیل کند به این ملت پیشرو و سرافراز... اصول امام، اصول روشنی است... ما مفید نمی‌دانیم که به اسم امام تمسک کنیم، اما اصول امام را به فراموشی بسپریم؛ این غلط است. اسم امام و یاد امام به‌تنهایی کافی نیست؛ امام با اصولش، با مبانی‌اش، با نقشه راهش برای ملت ایران یک موجود جاودانه است. نقشه راه در اختیار امام است و آن را به ما عرضه کرده است؛ اصول امام مشخص است».

## آب‌وهوا

| | | | |
|---|---|---|---|
| اراک | ۱۸ / ۳۳ | زنجان | ۱۰ / ۲۹ |
| اردبیل | ۱۱ / ۲۶ | ساری | ۲۰ / ۳۰ |
| ارومیه | ۱۵ / ۲۶ | سمنان | ۲۲ / ۳۶ |
| اصفهان | ۲۱ / ۳۶ | سنندج | ۱۱ / ۳۲ |
| اهواز | ۲۹ / ۴۳ | شهرکرد | ۷ / ۳۲ |
| ایلام | ۱۶ / ۳۲ | شیراز | ۱۶ / ۳۳ |
| بجنورد | ۱۶ / ۳۰ | قزوین | ۱۶ / ۳۲ |
| بندرعباس | ۲۶ / ۳۹ | قم | ۲۱ / ۴۱ |
| بوشهر | ۳۰ / ۳۴ | کرج | ۱۷ / ۳۴ |
| بوموسی | ۲۸ / ۳۷ | کرمان | ۱۷ / ۳۴ |
| بیرجند | ۱۵ / ۳۲ | کرمانشاه | ۱۱ / ۳۳ |
| تبریز | ۱۶ / ۲۸ | گرگان | ۲۰ / ۳۷ |
| تهران | ۲۳ / ۳۳ | مشهد | ۱۵ / ۲۹ |
| خرم‌آباد | ۱۳ / ۳۵ | همدان | ۹ / ۳۰ |
| رشت | ۱۹ / ۲۷ | یاسوج | ۱۳ / ۳۰ |
| زاهدان | ۱۸ / ۳۸ | یزد | ۲۲ / ۳۸ |

## تقویم امروز

■ **ولادت حضرت امام سجاد(ع) (۳۸ ق)**

امام چهارم شیعیان حضرت امام سجاد(ع) در پنجم شعبان سال ۳۸ هجری در مدینه به دنیا آمد. در سال و ماه ولادت حضرت، اختلاف است ولی این تاریخ معتبرتر است. ابومحمد و ابوالحسن از کنیه‌های ایشان و مشهورترین القابش، زین‌العابدین، سیدالعابدین و سجاد است. مادر وی شهربانو (شاه زنان) دختر یزدگرد سوم است. آن حضرت در حکومت یزید بن‌معاویه، معاویه بن یزید، مروان بن حکم، عبدالملک مروان و ولید بن عبدالملک زندگی می‌کرده است. برای آن حضرت ۱۱ پسر و ۴ دختر ذکر کرده‌اند.

■ **سخنرانی تاریخی عصر عاشورای امام خمینی(ره) در مدرسه فیضیه قم (۱۳۴۲ ش)**

در آغاز محرم سال ۱۳۸۳ ق برابر با خرداد ۱۳۴۲ ش، قم به صورت پایگاه ضد رژیم درآمده و شور خاصی در آن برپا بود. در عصر عاشورای آن سال برابر با سیزدهم خرداد ۱۳۴۲ ش حضرت امام خمینی(ره) با حضور در مدرسه فیضیه، طی سخنان کوبنده‌ای، ضمن انتقاد شدید از رژیم پهلوی و اربابان آمریکایی و اسرائیلی شاه ایران، پرده از جنایات طاغوت برداشتند. حضور مردم در سخنرانی به اندازه‌ای بود که تمام صحن فیضیه و دارالشفاء، صحن حرم حضرت معصومه، میدان آستانه و اطراف، مملو از جمعیت بود. در پی سخنرانی افشاگرانه حضرت امام، در سحرگاه پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲، دژخیمان رژیم ستمشاهی به خانه ساده و بی‌آلایش امام در قم یورش برده و امام را دستگیر و دور از چشم مردم به زندانی در تهران منتقل کردند. هنوز چند ساعتی از این حادثه نگذشته بود که فریاد مردم معترض و انقلابی، علیه حکومت دیکتاتوری شاه بلند شد و خواستار برقراری حکومت اسلامی و پایان دادن به رژیم ستمشاهی شدند. به همین جرم بود که گلوله‌های برخاسته از خشم و کینه حکومت ننگین شاه، قلب هزاران مسلمان انقلابی بپاخاسته را در این روز نشانه رفت و با به خاک و خون کشیدن آنان، قیام خونبار و جاوید پانزدهم خرداد ۴۲ شکل گرفت.

■ **درگذشت «محمد بن زکریای رازی» دانشمند نامدار جهان اسلام(۳۱۳ ق)**

محمدبن زکریای رازی در سال ۲۵۱ ق در شهرری به دنیا آمد. ابتدا به کیمیاگری پرداخت و در نهایت به شیمی روی آورد. سپس درعلوم طب، هندسه، منطق و فلسفه نیز مهارت یافت. رازی سال‌های بسیاری از عمر خویش را در تجزیه و ترکیب عناصر و مواد طبیعی صرف کرد و موفق به کشف الکل و تهیه اسید سولفوریک شد. محمد بن زکریا علاوه بر تحقیقات علمی و طبابت، به تدریس و تربیت شاگردان نیز می‌پرداخت. تالیفات وی را تا حدود ۲۵۰ اثر در رشته‌های مختلف علمی عنوان کرده‌اند که در زمینه‌های طب، طبیعیات، منطق، ریاضی و نجوم، تفسیر، فلسفه، مابعدالطبیعه، الهیات و... نگاشته است. از مهم‌ترین کتاب‌های محمد بن زکریا، الحاوی و المنصوری است.

■ **تصویب معاهده ترکمانچای بین ایران و روس(۱۲۴۳ ق)**

به موجب معاهده ترکمانچای که پس از شکست ایران در دومین دوره جنگ با روسیه در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار منعقد شد، ولایات وسیع ایروان و نخجوان به روسیه واگذار شد. همچنین ایران ۳۰ میلیون روبل معادل ۵ میلیون تومان به روسیه غرامت داد. حق کشتیرانی برای کشتی‌های روسی تایید شد و اتباع روسیه در ایران نیز امتیاز قضاوت کنسولی یا کاپیتولاسیون را به‌دست آوردند. دولت روسیه در برابر این همه امتیاز، تنها ولیعهدی عباس میرزا از شاهزادگان قاجار را به‌رسمیت شناخت.

■ **اختراع بی‌سیم توسط «گولیلمو مارکونی» مخترع معروف ایتالیایی (۱۸۹۸م)**

گولیلمو مارکونی، مخترع معروف ایتالیایی، در ۲۰ سالگی رساله‌ای در باب امواج برقاطیسی مبتنی بر مغناطیس به وجود آمده از جریان الکتریکی، خواند و متعاقباً به این فکر افتاد تا از این امواج، برای انتقال پیام استفاده کند. وی با استفاده از یک مدار و فرستنده، کار را آغاز کرد. در آن دستگاه، مدار به وسیله کلید باز و بسته می‌شد و روی براده آهن که در سوی دیگر قرار داشت و جریان از آن می‌گذشت، اثر می‌نهاد و زنگی را به صدا درمی‌آورد. مارکونی، در نهایت، در ۱۲ دسامبر ۱۹۰۱م موفق شد نخستین پیام را از فراز اقیانوس اطلس از انگلستان به کانادا بفرستد و می‌توان تاریخ واقعی اختراع رادیو را این روز دانست. این امر، جایزه نوبل را برای مارکونی در سال ۱۹۰۹م به ارمغان آورد و این مخترع ایتالیایی سرانجام در ۲۰ ژوئیه ۱۹۳۷م در ۶۳ سالگی درگذشت.